

تیزبین



گردشگران

دیدگاه

هرمزگان؛ میزبانی سخاوتمند دریا



انوشیروان معصی نبدی

در چنین جغرافیایی، سفر مقام ملی اگر درست دیده و درست روایت شود، صرفاً یک حضور اداری نیست؛ می‌تواند نقطه تمرکز باشد برای تصمیم‌های دقیق‌تر. برای هم‌راستا شدن نگاه‌ها و برای نزدیک شدن «طرح» به «عمل».

بازدید اینچنانج از استان هرمزگان از همین جنس بود؛ سفری که در ظاهر، دیدار و بررسی میدانی پروژه‌ها و ظرفیت‌هاست، اما در لایه زیرینش یک پیام روشن دارد: هرمزگان با ساحل و جزیره و بندر، تنها مقصدی برای تماشا نیست؛ می‌تواند سکوی برای رشد گردشگری کشور باشد، به شرط آن‌که مسیر سرمایه‌گذاری هموارتر شود، پروژه‌ها از ایستایی بیرون بیایند و زیرساخت‌ها با سرعتی متناسب با ظرفیت استان تکمیل شوند.

در این سفر، توجه ویژه به پروژه‌های زیرساختی و تفریحی، معنای خودش را داشت. وقتی پای گردشگری به میان می‌آید، «پروژه» فقط بتن و آهن نیست، هر پروژه، یک فرصت برای ماندگاری بیشتر مسافر، افزایش کیفیت تجربه سفر و رونق اقتصاد محلی است. از همین زاویه، بازدید از پروژه پارک آبی بندرعباس اهمیت



دوچندان پیدا می‌کند؛ چرا که پروژه‌های خانواده‌محور و تفریحی در شهرهای اصلی، آن حلقه گمشده‌ای هستند که می‌توانند سفر را از «عبور» به «اقامت» تبدیل کنند. تأکید بر تسریع در تکمیل فازهای اجرایی و رفع موانع نیز یعنی نگاه فقط به افتتاح‌های نمادین نیست؛ نگاه به بهره‌برداری واقعی و خدمت‌رسانی ملموس است.

هرمزگان اما فراتر از یک پروژه یا یک شهر است. این استان، پهنه‌ای از ظرفیت‌های متنوع است؛ از ساحل‌های گسترده و امکان توسعه گردشگری دریایی و ساحلی گرفته تا جزیره‌هایی که هر کدام امضای منحصره‌فرد خودشان را دارند. گردشگری هرمزگان، اگر به شکل هدفمند توسعه یابد، می‌تواند همزمان چند مسیر را فعال کند: تفریح و تجربه‌های خانوادگی، گردشگری دریایی، رویدادها و جشنواره‌ها و البته گردشگری فرهنگی که با موسیقی جنوب، خوراک دریایی، صنایع دستی و آیین‌های بومی گره خورده است؛ همان چیزهایی که مقصد را «بسه یادماندنی» می‌کنند، نه فقط «دیدنی».

در کنار این تصویر روشن از فرصت‌ها، واقعیت هم باید صریح گفته شود: ظرفیت بزرگ، بدون سازوکار اجرایی روان و تأمین مالی درست، به نتیجه نمی‌رسد. یکی از نکته‌های کلیدی که در چنین سفرهایی برجسته می‌شود، همین پیوند میان سیاست و میدان است؛ جایی که باید موانع اداری و سرمایه‌گذاری شناسایی شود، اولویت‌بندی پروژه‌ها دقیق‌تر شود و طرح‌های نیمه‌تمامی که سال‌ها روی کاغذ مانده، از راهی روشن به سمت تکمیل هدایت شود.

وقتی از «تسهیل» حرف می‌زنیم، منظور فقط کوتاه‌کردن یک مسیر اداری نیست؛ منظور ساختن یک اعتماد است؛ اعتماد سرمایه‌گذار، اعتماد مجری و اعتماد مردمی که نتیجه را در زندگی روزمره‌شان لمس می‌کنند. هرمزگان، بیش از هر جا، از ما یک نگاه متوازن می‌خواهد؛ نگاهی که هم توسعه را جدی بگیرد و هم اصالت را.

ساحل و دریا اگر صرفاً محل ساخت‌وساز بی‌قاعده شود، زیبایی‌اش را از دست می‌دهد؛ اما اگر توسعه با ملاحظات محیط‌زیستی و فرهنگی و بسا برنامه‌ریزی درست همراه شود، می‌تواند هم اشتغال بسازد، هم کیفیت خدمات را بالا ببرد. هم هویت محلی را زنده‌تر کند. گردشگری موفق، همیشه روی دو پا راه می‌رود: یک پا زیرساخت و سرمایه‌گذاری، پای دیگر فرهنگ میزبانی و حفاظت از میراث طبیعی و انسانی.

و حالا، این بازدید را می‌شود یک نشانه دید؛ نشانه‌ای از این‌که هرمزگان، دوباره و جدی‌تر، در مرکز توجه گردشگری کشور ایستاده است. اگر خروجی این سفر، به نقشه راه مشخص، زمان‌بندی روشن و پیگیری مداوم تبدیل شود، آن‌وقت دریا فقط تصویر پس‌زمینه سفر نخواهد بود؛ دریا می‌شود شریک توسعه. هرمزگان بلد است میزبان باشد؛ کافی است راه را هموار کنیم تا مهمان، بیشتر بماند، بهتر تجربه کند و با خاطره‌های روشن‌تر برگردد. آن‌وقت موج‌ها فقط به ساحل نمی‌خورند؛ به اقتصاد محلی، به امید جوان‌ها و به نسل زندگی هم جان تازه می‌دهند.

ثبت ملی «لیالستان» به‌عنوان روستای ملی بامبوفایی ایران

بامبوفایی در لیالستان نه یک فعالیت منفرد، بلکه بخشی از نظام معیشتی، معماری، اقلیم‌ساز گاری و فرهنگ کار در این منطقه است و ثبت ملی این روستا نشان می‌دهد که صنایع دستی زمانی ماندگار و اثرگذار هستند که در بستر زندگی مردم جریان داشته باشند. این ثبت، صرفاً یک عنوان یا گواهی اداری نیست، بلکه به‌منزله به‌رسمیت شناختن یک هنر سنتی و میراث زنده، دانش بومی و هویت فرهنگی ریشه‌دار در جغرافیای گیلان است که نسل به نسل منتقل شده و امروز به یک ظرفیت ملی تبدیل گشته است. ثبت ملی این روستا نشان می‌دهد که صنایع دستی زمانی ماندگار و اثرگذار هستند که در بستر زندگی مردم جریان داشته باشند و لیالستان نمونه‌ای روشن از پیوند موفق ماند طبیعت، معیشت و هنر است. ثبت لیالستان می‌تواند به تمرکز حمایت‌ها، هدفمندشدن آموزش‌ها، ارتقای کیفیت تولید، ایجاد زنجیره ارزش و در نهایت افزایش درآمد هنرمندان و صنعتگران بومی منجر شود. بازدید از کارگاه‌های بامبوفایی، آشنایی با شیوه‌های سنتی ساخت، مشارکت گردشگران در فرآیند تولید و پیوند این تجربه با اقامتگاه‌های بوم‌گردی، می‌تواند به شکل‌گیری یک الگوی پایدار گردشگری روستایی منجر شود.



بُزِ بوساق



قاباغا گیمخ



نخل گردانی

نگاهی به آیین‌های روضانی در ۶ استان کشور

می‌شدند، جایی که در برخی شب‌ها میزبان گلریزان برای گرفتن دست نیازمندان می‌شد.

«پخت آتش «اوماج» در چهار محال و بختیاری آتش «کاردرین» دیگر آشنای است که در چهارمحال و بختیاری در ماه مبارک رمضان توسط زنان پخته می‌شود. «اوماج» از اسفناج خردشده و نخود خیس‌شده و پیاز داغ به همراه آرد و تخم‌مرغ و ادویه‌های محلی تهیه می‌شود.

آتش «کاردرین» دیگر آشنای است که در ماه مبارک رمضان پختن آن بیشتر از ماه‌های دیگر سال انجام می‌شود و اختصاص به ماه مبارک رمضان دارد.

جشن «سر روزه‌ای» یکی دیگر از آداب مهم چهارمحالی‌ها در ماه مبارک رمضان است. در مراسم جشن سر روزه‌ای هدیه به همراه نان کاکولنی، آتش و... برای تازه‌عروس توسط خانواده داماد برده می‌شود و این جشن به مناسبت اولین ماه رمضان عروس و داماد گرفته می‌شود.

«شو خوانی» در خراسان جنوبی مناجات و شب‌خوانی یا به‌اصطلاح مردم استان «شو خوانی» از مراسم ویژه اکثر شهرهای خراسان جنوبی است؛ در این مراسم از نخستین شب ماه رمضان هر شب، برخی از مردان خوش‌صدا پس از نیمه‌شب سه نوبت که هر کدام تسودار وقتی از سحرگاهان بود، به بالای بام خانه خود می‌رفتند و با صدای بلند سه خواندن ادعیه و اشعاری می‌پراختند. این مراسم در برخی روستاها از جمله روستای «چنشت» شهرستان سریشه به‌وسیله طبل انجام می‌گرفت.

یکی از مراسم قدیمی ماه مبارک رمضان در بیرجند، خواندن «روضانی» است، این مراسم که نوعی خبرسانی برای ماه رمضان است به‌عنوان آداب و رسوم و برای جمع‌آوری نذورات مردم و همچنین ایجاد شور و نشاط از زمان‌های قدیم در استان مرسوم بوده است.

این رسم مردان پس از اذان مغرب در دسته‌های ۵ تا ۱۰ تایی به درب خانه‌هایی می‌روند که پسر مجرد دارند و با خواندن اشعاری برای آن‌ها آرزوی ازدواج یا زنی نیک‌سورت را می‌کنند و مشتاقی نیز از طرف صاحب‌خانه دریافت می‌کنند.

«ایلام شهر حلیم ایران در رمضان» اگر در رمضان، ایلام به شهر حلیم (هریسه) ایران لقب داده شود، سخنی به‌گراف نیست، ایلامی‌ها که در پختن حلیم بسیار تبحر و مهارت دارند، در ماه مبارک رمضان سفرهای افطاری خود را با این غذای خوشمزه در کنار دیگر غذاهای ساده رنگین می‌کنند.

«بُزِ بوساق» نیز از شیرینی‌های معروف محلی و سنتی استان ایلام است که با آرد، شکر، روغن‌دان، تخم‌مرغ، شیره، رازیانه و زردچوبه درست می‌شود و همه مواد را باهم مخلوط کرده و در روغن سرخ و روی آن را با شکر تزئین می‌کنند.

نان‌های پیپک، نان ساجی، نان توری، سمون، نان پنجه‌کش، نان ذرت یا کزکه برخی از نان‌های پخته‌شده در این ماه هستند.

«آیین‌های رمضان در تهران» در استان تهران نیز از قدیم‌الایام از زمانی که برای بیدارشدن مردم در سحر و اعلام زمان افطار «توپ» در می‌کردند تا چاووشی‌خوانی در وقت سحر، آیین‌هایی به سبک و سیاق مردم این دیار رواج داشته است. برگزاری تعزیه در ایام سوگاری ماه رمضان، نظافت خانه و مسجد و زورخانه پیش از آغاز این ماه مبارک و پخت انواع نذری به‌ویژه آش و حلوا از دیگر آیین‌های رایج در این استان بوده است.

مساجد تهران بعد از افطار و به‌خصوص در شب‌های احیا، ملو از جمعیت شده و اهالی گود و زورخانه نیز بعد از اقامه نماز و شنیدن وعظ و مواظظ، راهی زورخانه

شعبان، رسمی است که به‌عنوان «قاباغا گیمخ» یا پیشواز رفتن هنوز توسط برخی از شهروندان به‌ویژه کهنسالان به‌جا آورده می‌شود.

همچنین شهروندان اردبیلی معتقدند بیدار کردن مسلمان برای سحری خوردن اجر و ثواب دارد. در گذشته جوانان شب‌زنده‌دار نیز در پاسخ به مناجات‌گو دسته‌جمعی تکرار می‌کردند: «هان دورون، اوباشدان دی»، بیدار شوید سحری است.

غذاهای اصلی ماه رمضان از جمله فرنی با مبرای گل محصدی، انواع آش‌ها و کوکو و کنتل است که بانوان اردبیلی نیزاهای یک ماه خانواده را تأمین می‌کنند. از دیگر روسومی که به نظر می‌رسد دیگر به اجرا درنی‌آید رسم نوشتن دعا در جمعه آخر ماه رمضان است. درخصوص این رسم نوشته شده: هرکس گرفتاری مهمی داشت، متوسل به چهل دعا می‌شد.

«هومبایانی» و «نخل گردانی»؛ آیین‌های اسفغانی‌ها در رمضان

در سال‌های اخیر سفره کرم امام حسن(ع) جلوه جالب‌تری پیدا کرده و واحدهای سیاری به‌صورت موتوری و ماشینی بین افراد نیازمند و مراکز از جمله بیمارستان‌ها، مراکز بهزیستی و زندان‌ها نیز نان توزیع می‌کنند.

همچنین در آیین استان دو رسم «هومبایانی» و «نخل گردانی» ماه رمضان کاشان به‌تازگی در فهرست میراث ناملموس میراث‌فرهنگی به ثبت رسیده است. تراپ‌زاده مسئول ثبت پرونده‌های میراث معنوی اداره میراث‌فرهنگی کاشان تأکید کرد: آیین نخل گردانی در شب ۲۱ رمضان از دیگر آداب این ماه است که به نشانه عزاداری در برخی روستاهای اطراف کاشان برگزار می‌شود.

آیین «جیرجیرونی» نیز رسمی است که در شب ۲۷ رمضان در دستجرد جرقویه برگزار می‌شود. مطابق

شمال و جنوب و شرق و غرب، شیعه و سنی ندارد، هرجایی از جهان اسلام از جمله کشورمان برای خودش دنیایی از آیین‌هایی است که به ماه خداوند طعم‌های رنگارنگ می‌دهد تا چهره رمضان در گوشه‌وکنار ایران‌زمین متفاوت و منحصره‌فرد باشد.

نگاه خدا از ماه‌های پرنوری همچون رجب و شعبان به رمضان می‌رسد، همان‌که رنگین‌کمان الطافش را می‌توان همه‌جا دید و با یک حساب سرانگشتی بار سنگین گناهان را سبک کرد.

اینجا زیر چتر نگاه خدا می‌توان به اوج عشق و ایمان رسید. در کوچه‌های رمضان می‌توان نوای «رینا» را شنید و هنگامه اذان وضوی شکر گرفت.

ماه رمضان در گوشه گوشه ایران ملو از آداب و رسومی است که گرچه امروزه تنها یادگاری شیرین از برخی از آن رسم و رسوم باقی مانده، اما هنوز هم می‌توان صدای خدا را از بلندای ملکوت در این ماه زیبا شنید. با مرور این آیین‌ها می‌توان آیین‌های رسوم قدیمی را که غبار فراموشی گرفته‌اند صیقل داد و پای سفره‌های افطاری مردمان این کهن سرزمین نشست و دعای سحر را از قلب ایران زمزمه کرد.

در هر کوی و برزنی بوی سادگی به مشام می‌رسد و این سفره‌های افطار است که به روی خلق گشوده می‌شود. از خرماهای جنوب تا کلوچه‌های شمال، از نان‌های محلی شرق و غرب تا رسم دعا‌های مردمان این دیار که برای نعمت بی‌نهایت خداوند سر به‌مهر، بوته شکر می‌کارند. در بازخوانی این آیین‌ها می‌توان طعم بوساق را زیر زبان حس کرد و نان کاکلی، زنجیلی کوکه، هریس و انواع آش را با ولع خورد و در این میان مگر می‌شود از شیرینی کاسسا و نان‌های کلوچه‌ای زعفرانی و رنگینه به‌سادگی گذشت.

«رمضان در اردبیل» از «قاباغا گیمخ» در استان اردبیل روزه‌داری در سه روز آخر ماه

شاهکار خالو حسین در میگوره!

یادگاری



عقیل فرجی جاف، نتیجه دختری خالوحسین کوهکن، راهنمای گردشگری کرمانشاه و کوچک‌ترین عضو کمیسیون میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کرمانشاه است.

او می‌گوید: «خالو حسین سال ۱۳۴۱ در سن ۵۱ سالگی، کندن غار را آغاز کرد و آن را تا سال ۱۳۸۰ به پایان رساند. از همان زمان، گردشگران برای تماشا می‌آمدند. او با دخترعموش ازدواج کرد و حاصل ازدواجشان ۶ فرزند بود. همسرش قبل از شروع جنگ تحمیلی از دنیا رفت. خالوحسین صاحب بزرگ‌ترین گله در روستا بود و ۱۲ خانه در روستا داشت، اما همه را در جنگ از دست داد. با دست خالی و فقط یک تیشه مزرعه تابستانی‌اش در کوه میگوره شاهکار خلق کرد.»

می‌دانست. پس از کش‌وقوس‌های فراوان بر سر ثبت ملی غار دستکندش خالوحسین، به‌تازگی این اتفاق افتاد و این غار در روستای میگوره ثبت ملی شد.

خالو حسین کوهکن تمام این سال‌ها با یک تیشه که خودش معتقد بود از الماس است، ۴ اتاق و ۴ خانه مجزا در دل کوه تراشید که در بعضی نقاط نسبت به سطح زمین ارتفاع کمتری دارد. در بعضی از اتاق‌ها ارتفاع به ۱۷۰ تا ۱۸۰ سانتی‌متر می‌رسد. ۲ خانه تک‌اتاقی و ۲ تای دیگر شامل چند اتاق مجزا یا همان دالان است که هر دالان به دالان دیگری ختم می‌شود. خالوحسین در یکی از خانه‌های تک‌اتاقی به‌طور مجزا مقبره خود را نیز با دستان خود کند، هرچند او را در قبرستان عمومی شهر بانه دفن کردند.



بیرمرد هنوز زنده بود که گردشگران برای تماشای غار دستکندش می‌آمدند. خودش در کپری روی‌رویی غار و بر بلندی زندگی می‌کرد؛ جایی مشرف بر غار خالو حسین عثمانی که بین اهالی به خالو حسین کوهکن معروف است. سال ۱۳۹۵ در سن ۸۶ سالگی از دنیا رفت.

قصه یک خطی زندگی سخت او در از دست دادن پایش در جوانی بسو اثر اصابت گلوله در زمان شکار، از دست دادن ۳ فرزند و همسرش، بی‌خانمان‌شدنش در روزگار جنگ تحمیلی و تلف شدن دام‌هایش خلاصه می‌شود؛ اتفاقی که برای برخی با افسردگی و خانه‌نشینی همراه است. اما خالوحسین کوهکن کوله‌باز رنج‌هایش را به کوه برد و با تیشه به جان سنگ‌های کوه افتاد. زندگی عشاقیری، دامداری و کشاورزی را هم خوب

میراث

اسرار نهفته آخرین پناهگاه یزدگرد سوم

زلزله سال ۱۳۹۶ به بخش‌هایی از این قلعه آسیب زد. از طرفی در طول سالیان گذشته بخشی از روستای زده روی حریم این مجموعه ساخته شده است. البته در زلزله ۷.۳ ریشتری سال ۱۳۹۶ بخشی از واحدهای مسکونی روستای زده قدیم که روی حریم ساخته شده بود، تخریب شد و روستاییان مجبور شدند خانه‌های خود را در جای دیگری بنا کنند، اما هنوز تعدادی واحد مسکونی روی حریم این مجموعه قرار دارد و درصورتی که بنیاد مسکن همکاری داشته باشد، این واحدهای مسکونی نیز جابه‌جا می‌شود.

در پرونده محور اشکانی- ساسانی کرمانشاه که از معبد آناهیتا تا ایوان مدائن عراق ادامه دارد، قلعه یزدگرد نیز به عنوان یکی از آثار شاخص این مسیر که شهرتی جهانی دارد، مورد توجه است. از آنجایی که گردشگران امکان دسترسی به بخش اصلی قلعه در بالای کوه را ندارند، مقرر شده برای ایام نوروز ساماندهی آتشکده قلعه داور انجام شود تا میزبان میهمانان نوروزی باشد.

بنابراین می‌توان گفت که مجموعه قلعه باستانی یزدگرد شهری عظیم در داخل یک ارگ بوده است. به باور باستان‌شناسان، این مجموعه متعلق به دوره اشکانی- ساسانی است و در دوره اسلامی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. مردم منطقه معتقدند که این قلعه، آخرین پناهگاه یزدگرد سوم آخرین پادشاه ساسانی و دخترش بوده است. اولین کاوش‌های باستان‌شناسی که در این قلعه باستانی انجام شد، مربوط به اواسط دهه ۵۰ توسط «ادوارد کیسل» باستان‌شناس بریتانیایی بود و پس از آن نیز در اواسط دهه ۹۰ «یوسف مرادی» از باستان‌شناسان کشورمان، اقدامات باستان‌شناسی را در این تپه انجام داد. این محوطه باستانی هنوز اسرار زیادی در دل خود دارد و ادامه کاوش‌های باستان‌شناسی، مرمت و حفظ این مجموعه در دستور کار قرار گرفته است. همچنین مقرر شده این محوطه باستانی پس از سال‌ها تعیین عرصه و حریم شود. پرونده ثبت تعیین عرصه و حریم محوطه درحال تدوین است و مقرر شده در تهران به ثبت برسد.

می‌توان از قلعه یزدگرد سوم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قلعه‌های باستانی نه‌تنها ایران، بلکه دنیا نام برد. این قلعه باستانی در منطقه‌ای مرزی و مرتفع در روستای بان‌زده بخش ریجاب شهرستان دالاهو واقع شده و در زمان باستان به‌گونه‌ای آن را نفوذناپذیر ساخته‌اند که دست یافتن به آن کاری بسیار دشوار بوده است. قلعه یزدگرد سوم نه‌تنها یک قلعه، بلکه یک مجموعه بسیار بزرگ و عظیم با حدود ۴۰ کیلومتر وسعت است که بخش‌های مختلفی را در دل خود جای داده، از جمله بخش اصلی قلعه که در بالادست کوه قرار گرفته و رفتن به آنجا برای گردشگران و مردم سخت و دشوار است. سه طرف این قلعه با استحکامات طبیعی محصور شده و تنها از جبهه شرقی امکان راه‌یافتن به آن وجود دارد که نشان می‌دهد یک مکان امن برای پادشاهان یا حاکمان محلی گذشته بوده است. آشپزخانه، برج نقاره‌زن، زندان و آتشکده قلعه داور از بخش‌های دیگر این مجموعه هستند.

